

ان شاء خدا و تاثیر آن بر سرنوشت انسان

www.ketab.ir

ایمان سلطانی





سرشناسه: سلطانی، ایمان، ۱۳۶۶
عنوان و نام پدیدآور: انشاء یاد خدا و تأثیر آن بر سبک زندگی انسان / ایمان سلطانی
مشخصات نشر: قم: امتداد حکمت، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری: ۷۱ ص.؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۸۸۳-۳۰-۷ ISBN

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: غفلت -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام

موضوع: Negligence (Ethics) -- Religious aspects -- Islam

موضوع: غفلت -- جنبه‌های قرآنی

موضوع: Negligence (Ethics) -- Qur'anic teaching

موضوع: ستایش خدا -- جنبه‌های قرآنی

موضوع: Praise of God -- Qur'anic teaching

موضوع: ستایش خدا -- احادیث

موضوع: Praise of God -- Hadiths

موضوع: زندگی معنوی -- اسلام

موضوع: Spiritual life -- Islam

رده‌بندی کنگره: BP ۲۵۰/۵۵

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۶۳۹

شماره کتابشناسی ملی: ۸۸۳۷۹۴۲





انساء یاد خدا و تأثیر آن بر سرنوشت انسان

ایمان سلطانی

ناشر: انتشارات امتداد حکمت

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۸۸۳-۳۰-۲

طبع: رقمی

بها: ۵۰ هزار تومان

سال چاپ: بهار ۱۴۰۱

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

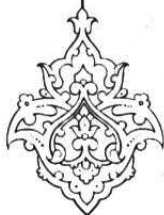
— کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است. —

تماس با ناشر:

۰۹۳۶ ۴۹۵ ۶۴۷۳ (آقای محمد قمی اویلی)

۰۹۹۲ ۸۲۷ ۱۱۰۵





پیشگفتار

یکی از حالات انسانی، فراموشی است که معادل عربی آن نسیان است. فراموشی به معنای از یاد رفتگی و فراموشکاری دارای دو صورت اختیاری و غیراختیاری است. صورت اختیاری آن، ارتباط تنگاتنگی با رفتار آدمی دارد. از این رو در آموزه‌های قرآنی به آن توجه شده است، زیرا فراموشکاری اختیاری گاه به خدا فراموشی منجر می‌شود که مانع آن تا خود فراموشی ادامه یافته و بستر مهمی برای سقوط آدمی می‌شود.

فراموشی ارتباط تنگاتنگی با غفلت دارد ولی میان غفلت و نسیان تفاوت‌هایی است، زیرا غافل کسی است که با حضور آن چیز به عللی متوجه آن نمی‌شود، در حالی که فراموشی نسبت به چیزی است که پیش از آن به یاد داشته است ولی به علل طبیعی و غیرطبیعی آن را از یاد برده و اکنون در خاطر ندارد. فراموشی نسبت تنگاتنگی با ذکر و یاد دارد؛ زیرا هرگاه شخصی موضوع و چیزی را از یاد برده و در خاطر نداشته باشد، گرفتار فراموشی است. بنابراین فراموشی، مرتبط با حوزه ذهن، حافظه و خاطرات نیز می‌شود، در حالی که غفلت ارتباط به امور خارجی پیدا می‌کند، زیرا شخص با آن که حضور چیزی را در برابر خود دارد ولی آن را نمی‌بیند و از آن غافل است.

و دلیل آن این است که کسی که خدا را فراموش کند، معلوم است که زندگی دنیایی، وی را مشغول کرده است، یعنی از بابت آنچه دارد در بیم و

نگرانی به سر می‌برد و از بابت آنچه که ندارد حسرت نداشتن آنها را، بر این اساس، مهمترین چیز زندگی که همان آرامش و اطمینان می‌باشد در زندگی وی، جای پای ندارد. درست به همین دلیل است که خداوند در آیه سوره طه، انسانها را مورد خطاب قرار داده و به آنها گوشزد می‌کند که اعراض آنها از یاد خدا، زبانی جز به خودشان نداشته مگر اینکه زندگانی او در دنیا تنگ می‌شود.

و در سوره فتح آیه چهارم بیان می‌دارد که برای اینکه به تنگی در زندگی، مبتلانشوید خدا را یاد کنید چرا که خداوند سکینه و آرامش را بر دلهای مومنین نازل کرد تا بر مراتب ایمان خود بیفرانید. طبق آیه ۱۲۴ سوره طه، ناینیایی در آخرت، یکی دیگر از عوامل روی گردانی از ذکر خداست به این دلیل که اینان در دنیا، چشم دلشان را به حقایق بسته بودند و بر اساس آن، خدا را فراموش نموده بودند، خداوند نیز در قیامت آنها را مورد فراموشی قرار داده، بینایی آنها را می‌گیرد، زمانیکه این افراد اعتراض می‌کنند ما در دنیا، بینا بودیم، جواب می‌شنوند «همچنانکه شما در دنیا خدا را فراموش کردید» امروز نیز خودتان مورد فراموشی واقع شدید..»

این فراز به تأثیر فراموشی از یاد خدا در زندگی دنیوی و حیات اخروی اشاره دارد. آیه‌ی ۱۹۴، دو مجازات برای غافلان از یاد خدا برمی‌شمرد:

«معیشت تنگ و سخت» در این دنیا و «کوری و نابینایی» در روز قیامت! فلسفه‌ی مجازات نخست، اینکه وقتی کسی که خدا را فراموش کرده و با او قطع رابطه کند، تمام دلخوشی و امیدش به غیر او، دارایی‌هایش در دنیا و انسان‌های غافل از خدا خواهد بود.

در این صورت، همه‌ی کوشش‌های خود را منحصر در کسب متاع ناچیز دنیا خواهد کرد، و تنها به اصلاح و رشد زندگی دنیایی‌اش می‌پردازد! این

مسیر، توسعه‌ی روزافزون سرگرمی او به دنیا و افزایش بدون توقف خواسته‌های دنیوی‌اش را در پی دارد. این وضعیت حاکی از آن است که چنین انسانی معاد را باور ندارد و از آنجا که حاصل زحمات و تلاش‌های خود را باید در همین دنیا ببیند، همواره حس ناخوشایند مرگ هراسی او را در خود فرو می‌برد.

از نگاهی دیگر، آورده‌های دنیایی همواره پرافت و در معرض آسیب است و بنابراین نمی‌تواند آرام بخش روح‌نواز باشد. در این میان، «حرص و آز» نیز خاطر چنین انسانی را آسوده نخواهد گذاشت! بنابراین همواره آرزوی داشته‌هایی را در سر می‌پروراند که از فقدان‌ش رنج می‌برد! زندگی سخت را شاید بتوان در دو عبارت خلاصه کرد، «نارضایتی نسبت به آنچه داریم» و «دل‌بستگی به آنچه نداریم» به راستی در میانه‌ی «مرگ هراسی» و «از دست دادن دل‌بستگی‌ها»، جز سختی و اضطراب به او روی خواهد آورد؟ حال چنین انسانی، حال تاجر مغبونی است که متاعی ارزشمند و نایاب را به ثمن بخش داده و همواره در حسرت و ملامت خود است.

این در حالی است که ره‌آورد اعتقاد به خدا و یاد او در دل داشتن، آرامش و سرور باطنی است. انسان مؤمن، که پشتمانی چون خداوند دارد، از چنان قدرت و غنای روحی برخوردارست که همواره با امید به آینده و بدون ترس از دست دادن تعلقات دنیایی، دل به ذات اقدس خداوند بسته و از همه این نگرانی‌ها در امان است.

فلسفه‌ی مجازات دوم، به نسبت میان دنیا و آخرت بازمی‌گردد. عالم آخرت، تجسم وسیع و گسترده‌ای از عالم دنیاست و همه‌ی حقایق این جهان، در آنجا به صورت متناسبی مجسم می‌شود. آنها که چشم جانشان در این عالم از دیدن حقایق نابیناست، در آنجا نیز دیدگان‌شان نابینا خواهد بود. هنگامی که در قیامت، بیان می‌دارند که «ما پیش از این، بینا بودیم، چرا نابینا